

The Systematic pattern of economic education in prophetic society: in order to policymaking for human resources

Hasan Sharifi Sotoudeh (Corresponding Author) 

Doctoral student of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: hassan_sharifi@atu.ac.ir

Maryam Brahman 

Associate Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: m.brahman@yahoo.com



Use your device to scan and read the article online

Citation Hasan Sharifi Sotoudeh, Maryam Brahman [The Systematic pattern of economic education in prophetic society: in order to policymaking for human resources (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2024; 24 (95): 79-111  [10.22034/iec.2024.2033685.2766](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2033685.2766)

Received: 24 June 2024 , Accepted: 19 October 2024

Abstract

The main purpose of this research is to extract a comprehensive model for economic education; Due to the importance of economic education and the need of the Iranian-Islamic society for it in today's world and the existence of enemy economic attacks. On the other hand, it seems that despite the similarities of this society with the Prophet's (PBUH) society in different dimensions, extracting the mentioned model from that experience will be more helpful. In the stage of discovery, compilation and initial evaluation, the documentary method was used, in coding and determining the communication network of concepts, the method of concept analysis was used, and in the stage of presenting a systematic model, the inferential method was used. The statistical population is all the primary sources related to the Prophet and the prophetic society, and the statistical sample of the research is only the discussions about economic education in these sources. Reviewing and examining the sources shows that economic education in the prophetic society can be identified with 55 basic concepts, 12 organizing concepts and 5 divine, personal, social, political and natural dimensions. We also achieved a systematic pattern by formulating these concepts as 11 bases, 14 principles and 35 methods. From the examination of the findings and formulation of the obtained concepts, it was found that it is possible to extract a systematic model as "the model of economic education in the prophetic society". Also, this model can be recommended to the authorities and applied in today's society, due to the applicability of the presented methods and their reliance on documented and logical principles and bases.

Keywords

economic education, prophetic society, systematic model, Economy, education and training, human resources.





شېرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پر تال جامع علوم انسانی



الگوی نظام‌مند تربیت اقتصادی در جامعه نبوی؛

به منظور سیاست‌گذاری تربیت نیروی انسانی

حسن شریفی ستوده (نویسنده مسئول)^{ID}

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی،

تهران، ایران. Email: hassan_sharifi@atu.ac.ir

مریم برهمن^{ID}

دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: m.brahman@yahoo.com



Citation Hasan Sharifi Sotoudeh, Maryam Brahman [The Systematic pattern of economic education in prophetic society: in order to policymaking for human resources (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2024; 24 (95): 79-111 [10.22034/iee.2024.2033685.2766](https://doi.org/10.22034/iee.2024.2033685.2766)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۸

چکیده

به سبب اهمیت تربیت اقتصادی و نیاز جامعه ایرانی- اسلامی به آن در دنیای امروز و نیز حجم‌های اقتصادی دشمن، هدف اصلی این پژوهش، استخراج الگویی جامع برای تربیت اقتصادی است. از طرفی به نظر می‌رسد با وجود شباهت‌های این جامعه با جامعه نبوی (ص) در ابعاد مختلف، استخراج الگوی مذکور از آن تجربه بیشتر راهگشا خواهد بود. بدین منظور در سطح کشف، گردآوری و ارزیابی اولیه از روش اسنادی، در کدگذاری و تعیین شبکه ارتباطی مفاهیم از روش تحلیل مفهوم و در مرحله ارائه الگوی نظام‌مند از روش استنتاجی استفاده شده است. جامعه آماری، تمام منابع دست‌اول مربوط به پیامبر و جامعه نبوی است و نمونه آماری تحقیق فقط مباحث ناظر به تربیت اقتصادی در این منابع است. مرور و بررسی منابع نشان‌دهنده این است که تربیت اقتصادی در جامعه نبوی با ۵۵ مفهوم پایه، ۱۲ مفهوم سازمان‌دهنده و در پنج بعد الهی، فردی، اجتماعی، سیاسی و طبیعی قابل شناسایی است. با صورت‌بندی این مفاهیم در قالب ۱۲ مبنا، ۱۵ اصل و ۳۷ روش نیز به الگویی نظام‌مند دست یافتیم. از بررسی یافته‌ها و صورت‌بندی مفاهیم حاصل، مشخص شد که استخراج الگویی نظام‌مند به عنوان «الگوی تربیت اقتصادی در جامعه نبوی» میسر است. همچنین با توجه به قابل اجرا بودن روش‌های ارائه‌شده و ابتدای آنها بر اصول و مبانی مستند و منطقی، این الگو قابل توصیه به مسئولان و کاربرد در جامعه امروز است.

واژگان کلیدی

تربیت اقتصادی، جامعه نبوی، الگوی نظام‌مند، اقتصاد، تعلیم و تربیت، نیروی انسانی.



مقدمه

«تربیت اقتصادی» (Economic Education) که با عنوان «سواد اقتصادی» (Economic Literacy) یا «تعلیم و تربیت اقتصادی» نیز شناخته می‌شود، به مباحث مختلف اقتصادی مانند تورم، بیکاری، تغییرات اقتصادی، مفاهیم بازار، دولت، ریسک، سرمایه، تولید، اشتغال، کارآفرینی و ... می‌پردازد (پیغامی و مرادی باصیری، ۱۳۹۵، ص ۱۶). تاکنون تعاریف گوناگونی برای این اصطلاح ارائه شده است؛ از جمله: «نظامی بینشی، گرایشی و رفتاری که بر تمام انتخاب‌های اقتصادی هویت کامل انسانی (جنبه فردی و جمعی هویت انسان) اثر می‌گذارد» (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵، ص ۲۲)؛ «نظام انتقال هر مهارت و توان ناظر به دانش اقتصادی» (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰، ص ۳۶)؛ «ایجاد علم، مهارت، انگیزه و نگرش‌هایی برای آمادگی مدیریت موقعیت‌های اقتصادی از جهات سیاسی، حقوقی، فنی و اخلاقی، از سطح فردی تا بین‌المللی» (کامینسکی، ۱۹۹۶، ص ۶ به نقل از موسی‌زاده و صنعتی، ۱۳۹۶، ص ۷۶)؛ «کمک به کسب مهارت‌های واقعی زندگی در زمینه مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، شهروندی، کارگری و فعالیت در اقتصاد جهانی» (شورای ملی تربیت اقتصادی آمریکا، ۲۰۰۷، به نقل از مرادی و همکاران، ص ۱۷۵)؛ «فرایند آموزش و درونی‌سازی دانش و رفتار مطلوب اقتصادی برای توانمندی در انتخاب آگاهانه، استدلال منطقی و تصمیم درست در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف به منظور تأمین منافع شخصی و حفظ منافع جامعه» (قبادی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶۸) و تعاریف دیگری که هر کدام را می‌توان نحوی‌گزینش، دسته‌بندی و ترکیب از مؤلفه‌های اساسی تعاریف قبلی به حساب آورد.

با استخراج مؤلفه‌های اصلی، پرتکرار و مؤکد این تعاریف، مشخص می‌گردد بعد از «بسترهای اقتصادی» مانند تولید، توزیع، مصرف، کار و ... که موضوع مشترک همه تعاریف است، توجه به مثلث «دانش»، «نگرش»

(گرایش) و «رفتار» در همه این تعاریف مورد تأکید است. از طرف دیگر اگر «مهارت» مؤلفه‌ای جدای از رفتار و به عنوان ابزاری در خدمت آن دانسته شود، بر اساس تأکید در تعاریف، ضلع چهارمی به سه ضلع قبل اضافه می‌شود. همچنین «گستره کارایی» این چهارضلعی از سطح فردی تا سطح اجتماعی و جهانی مؤلفه پنجم به حساب می‌آید. نگاه جامع به این تعاریف مشخص می‌نماید که کاربر این مؤلفه‌ها صرفاً تک‌تک افراد نیستند و گروه‌های اجتماعی یا حتی نظامات کلان ساختاری نیز می‌توانند از آموزه‌ها و اثرات این شبکه مفهومی بهره‌مند شوند. بر این اساس می‌توان گفت تربیت اقتصادی عبارت است از: «مجموعه‌ای از عناصر بینشی، گرایشی، مهارتی و رفتاری که انتخاب‌ها و تصمیمات اقتصادی فرد و گروه را در سطح فردی و اجتماعی جهت می‌دهد».

سواد مالی (Financial Literacy)، تربیت مالی (Financial Education)، مالی شخصی (Personal Finance) و یا توانایی مالی (Financial Capability) نیز حوزه دیگری است که به مفاهیمی مانند دخل و خرج، پس‌انداز یا سپرده‌گذاری، سرمایه‌گذاری، خرید و فروش، خدمات، نقشه راه مالی، مدیریت امور مالی شخصی، بدهی، کار و درآمد، ریسک و بیمه و ... می‌پردازد و به نوعی مکمل حوزه تربیت اقتصادی بوده، در بخش‌هایی دارای هم‌پوشانی با یکدیگرند و از محتوای یکدیگر وام می‌گیرند، اما این حوزه بیشتر از حوزه قبل به «سبک زندگی مالی و اقتصادی» یا همان ابعاد مالی زندگی روزمره فرد و خانوار ارتباط دارد و گستره کارایی آن محدود به سطح فردی و نهایتاً خانوادگی است و از این جهت به صورت مستقیم به مؤلفه‌های اجتماعی اقتصاد مانند تنظیم روابط و سیاست‌گذاری مهارت‌آموزی، تولید، بازار، دولت، کارآفرینی و اقتصاد بین‌الملل نمی‌پردازد (پیغامی و مرادی باصیری، ۱۳۹۵، ص ۱۶ / رودی، ۱۳۹۹).

جهان امروز به دلیل پیشرفت تکنولوژی و قدرت گرفتن طبقه سرمایه‌دار،

با تعارض منافع در مقابل کاهش منابع روبه‌روست. از طرف دیگر پیچیدگی و سرعت تغییرات و نوسانات اقتصادی و گسترده‌ی بازارهای مالی و پولی مانند پیدایش صندوق‌های متنوع سرمایه‌گذاری در بورس، فراگیری رمزارزها، گسترش کسب‌وکارهای دیجیتال و ... در جهان، سبب بروز موفقیت‌های اقتصادی عجیب برخی افراد و جوامع و بحران‌ها و شکست‌های مالی برخی دیگر- از جمله بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی و تشدید بحران ارزی در سال ۱۳۹۱ در ایران- شده است. این وضعیت سبب شده علمی مانند اقتصاد که ابزارهای مدیریت منابع را در دسترس افراد قرار می‌دهند، اهمیت فراوانی پیدا کنند. از طرفی در راستای مدیریت تحولات اقتصاد جهانی در اکثر جوامع، جریان‌هایی با هدف انتقال تعلیمات اقتصادی با عنوان سواد اقتصادی و مالی به راه افتاده تا نسل آینده و جامعه را یکپارچه و در مسیر اهداف خود هدایت و مدیریت کنند (پیغامی و مرادی باصیری، ۱۳۹۵، ص ۱۳-۱۷).

جمهوری اسلامی ایران نه تنها از تأثیر این جریان جهانی خارج نیست، بلکه پس از انقلاب اسلامی و به‌خصوص در دو دهه اخیر، سختی و حساسیت مضاعفی متوجه بعد اقتصادی این جامعه است؛ تا آنجا که رهبر معظم انقلاب آن را جنگ اقتصادی خوانده و نام‌گذاری چندین سال پیاپی با شعارهای اقتصادی و تأکید به مسئولان برای علاج این مشکلات را ناشی از اهمیت این موضوع می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۱).

این حساسیت به سبب دشمنی‌های متعدد جوامع مستکبر و نیز مخالفت ایران با جریان غالب استعمار جهانی و در مقابل، طرح گفتمانی نوین و متفاوت در مخالفت با گفتمان سرمایه‌داری و بر مبنای اندیشه اسلامی و تعلیمات نبوی از سوی اوست. سخن این گفتمان در همه زمینه‌های اجتماعی از جمله تربیت اقتصادی این است که الگوی مرسوم غربی نه با فرهنگ و تمدن ایران سازگار است و نه با مبانی اعتقادی اسلام، بلکه برای این جامعه باید الگویی اختصاصی طراحی و به کار گرفته شود؛ از سوی دیگر، هم شرایط

حاکم بر جمهوری اسلامی شباهت‌های فراوانی با شرایط جامعه ائمه اطهار (ع) دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴)، هم مبانی علمی- عملی اسلام‌گزاره‌هایی ثابت، الهی و انسانی بوده و قابل انطباق و کاربرد در زمان‌های مختلف است؛ نه آنکه نظریات آن مانند نظریات علمی در طبیعیات و نجوم باشد که با نظریه دیگری نسخ شود (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۱۸-۱۹) و اساساً از همین جهات به عنوان مبانی اندیشه و عمل جمهوری اسلامی به کار رفته است؛ ازاین‌رو بررسی و جست‌وجوی الگو و راهکار تربیت اقتصادی از سنت معصومان (ع) برای جامعه امروز ما بسیار راهگشا و الهام‌بخش است.

از این میان به خاطر اینکه جامعه نبوی تنها الگوی کامل یک حکومت اسلامی در بین تمام ادوار حیات اسلام است که می‌تواند تمام شاخص‌ها و معیارهای یک جامعه اسلامی را یکجا ارائه کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴، ص ۳۵) و نیز به سبب آنکه از چندین جهت از جمله نیاز به شالوده‌ریزی اساسی یک نظام اسلامی، تحریم‌های اقتصادی- سیاسی- اجتماعی، جنگ و تهدیدهای نظامی از ابتدای تشکیل حکومت، حساسیت و پیچیدگی روابط خارجی و روابط داخلی با احزاب و اقوام مختلف، مشابه شرایط حاکم بر جمهوری اسلامی است، می‌تواند در قالب الگویی مطلوب در تربیت اقتصادی، برای مردم و مسئولان در تربیت اقتصادی راهگشا باشد.

در راستای تحقق این مطلوب، باید به این پرسش پاسخ دهیم که «الگوی تربیت اقتصادی در جامعه نبوی چه بوده و چگونه در جامعه امروز ما قابل استفاده است؟» ذیل این مسئله، دو سؤال فرعی نیز مطرح می‌شود:

۱. مفاهیم پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر نظام تربیت اقتصادی مطلوب در جامعه نبوی کدام‌اند؟
۲. بر اساس مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در جامعه نبوی مبانی، اصول و روش‌های تربیت اقتصادی الگوی پیشنهادی مستخرج از این مفاهیم کدام است؟

یکی از مقدمات پاسخ به سؤالات تحقیق تعریف معنای «الگو» از نگاه

این پژوهش است. معنای لفظی الگو یا مدل (model) که از واژه مادوس (modus) گرفته شده «اندازه» است؛ اما معنای اصطلاحی آن بسته به برداشت و نوع استفاده مختلف است و در دو دسته ذیل می‌توان آنها را خلاصه کرد (اسدزاده، ۱۳۹۵، ص ۱۸۹-۱۹۰): ۱. الگو، رونوشت، نمونه، سرمشق، بازنما، مجسمه و یا تصویری است که مختصات متعلق خود را به‌عینه نمایش می‌دهد؛ ۲. الگو، تعریف، توصیف و چارچوبی مفهومی است برای معرفی ساده اجزا، کارکردها و یا ویژگی‌های یک نظام، فرایند، ساختار، ایده، مسئله، پدیده و یا جریان که به دلایلی مانند پیچیدگی، انتزاعی بودن، تاریخی بودن و ... به‌سادگی قابل فهم، اجرا و یا پیش‌بینی‌پذیری نیست.

از آنجا که یک الگوی آموزشی و تربیتی را می‌توان نظریه‌ای معطوف به عمل دانست (همان، ص ۱۹۱) و چنان که از مقدمه و عنوان پژوهش پیداست، مقصود از ارائه الگو، نظریه یا چارچوبی از مرحله بینش تا مرحله کش اقتصاد مطابق نظام اجتماعی نبوی می‌باشد. پس مراد همان الگوی نظام‌مند به مثابه مدل عملی جامع است با همه عوامل مؤثر بر آموزش و تربیت، ناظر به قبل، حین و بعد از فرایند تربیت (قنبری و زندی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۱-۱۲۲).

پیشینه تحقیق

در حوزه تربیت اقتصادی پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته اما پژوهش‌های مرتبط با تحقیق حاضر مواردی هستند که به منبع و عنوان این تحقیق نزدیک‌تر باشند و مبنای تحقیق در آنها شیوه و سنت الهی اسلام یعنی قرآن و سنت معصومان (ع) مخصوصاً پیامبر گرامی اسلام (ص) باشد. ملاک اهمیت و ترتیب بررسی تحقیقات ذیل، میزان قرابت موضوع و محتوای هر پژوهش با عنوان تحقیق حاضر است.

حمیدیان (۱۳۹۲) - در پژوهشی که بیشترین قرابت را با پژوهش حاضر دارد - با بررسی سیره نبوی، جایگاه برخی از مفاهیم اقتصادی و روش‌های

فرهنگ‌سازی این مفاهیم را در این مکتب تبیین کرده است. مفهوم کار و فعالیت اقتصادی، ساده‌زیستی، خودکفایی، توکل، احکام کسب و کار، رسیدگی به نزدیکان، انفاق و صدقه، امانت‌داری، قناعت، پرهیز از اسراف و تبذیر و یاد خدا در فعالیت‌های اقتصادی مفاهیمی است که در این پژوهش ذکر شده است. دعوت با سخن و عمل، حمایت از فقرا، تقسیم عادلانه غنائم جنگی، صرف انفال و اموال عمومی برای نیازهای عموم جامعه، برخورد با ثروت‌اندوزی حرام، مبارزه با ربا و ترویج انفاق و قرض‌الحسنه نیز به عنوان روش‌های مذکور در پژوهش استخراج شده است.

تقوی (۱۳۹۶) نیز با کمک مؤلفه‌های علمی مدیریت، فقط یک بعد از تربیت اقتصادی در جامعه نبوی یعنی نحوه همگراساختن بازار مدینه با آموزه‌های اقتصادی اسلام را توسط پیامبر (ص) شرح می‌دهد که در شرایط غلبه بازار ناسالم، ظالمانه و تحریف‌شده یهود با اخذ و اجرای راهکارهای مدیریتی از جمله انفکاک بازار مسلمانان، وضع قوانین دینی بازار، مدیریت قیمت و کیفیت کالاها و ... بازار مسلمانان تأسیس و به الگوی برتر تبدیل شد.

قبادی و همکاران (۱۳۹۸) در تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی سیره امیرالمؤمنین (ع) معتقدند اقتصاد منبع اصلی قدرت جامعه بوده، ایشان در تمام دوران حیاتش به فعالیت، کار و تلاش اهتمام داشته‌اند؛ بنابراین سیره آن حضرت منبعی ارزشمند برای تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی است که قابلیت آموزش به تک‌تک افراد جامعه برای تنظیم روابط اقتصادی خود را دارد. مؤلفه‌های توکل به خدا، رعایت انصاف، التزام در کسب روزی حلال، رعایت الگوی مصرف، خوش‌خلقی، امانت‌داری، اهتمام به کار و تلاش، اهتمام در سازندگی و آبادانی، حفظ منافع جامعه، برنامه‌ریزی، التزام در ارائه کار باکیفیت و التزام به قانون در سیره اقتصادی ایشان برای آموزش افراد جامعه وجود دارد.

علیپور، ناطقی و فقیهی (۱۳۹۶) نیز ابتدا مؤلفه‌های تربیت اقتصادی مبتنی بر اخلاق اسلامی را در سه بعد تولید، توزیع و مصرف و سه حیطه دانشی، نگرشی و مهارتی استخراج کردند و با نظر متخصصان موارد متناسب برای دوره ابتدایی را گزینش نموده و بر این اساس محتوای کتب هدیه‌های آسمان را بررسی کردند.

طهماسب‌زاده شیخ‌لار، فتاحی مرکید و ایمان‌زاده (۱۴۰۱) با استخراج مؤلفه‌های اصلی و فرعی تربیت اقتصادی در سه حوزه اصلی تولید، توزیع و مصرف از قرآن کریم و نیز خرده مؤلفه‌های متناظر این موارد در اسناد بالادستی اذعان دارند که میزان انعکاس مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در اسناد بالادستی حدود ۲۲ درصد در حوزه تولید، ۱۲ درصد در حوزه توزیع و ۲۰ درصد در حوزه مصرف است که نتایج بسیار اندکی به حساب می‌آید.

موسی‌زاده و صنعتی (۱۳۹۶) نیز با بررسی آیات قرآن کریم، مؤلفه‌هایی ذیل سه مفهوم تولید، توزیع و مصرف استخراج و شرح داده‌اند. ذیل مفهوم تولید، ۳ مقوله: «عوامل تولید»، «کسب‌وکارهای مولد» و «عوامل بهره‌وری تولید» با ۱۹ زیرمقوله، ذیل مفهوم توزیع، ۳ مقوله: «هدف توزیع»، «ابزارهای مالی توزیع» و «آسیب‌شناسی توزیع ثروت» با ۱۶ زیرمقوله و ذیل مفهوم مصرف، ۲ مقوله: «نیازها و انگیزه‌های ایجاد مصرف» و «ویژگی‌های مصرف» با ۱۳ زیرمقوله استخراج و طبقه‌بندی شده است.

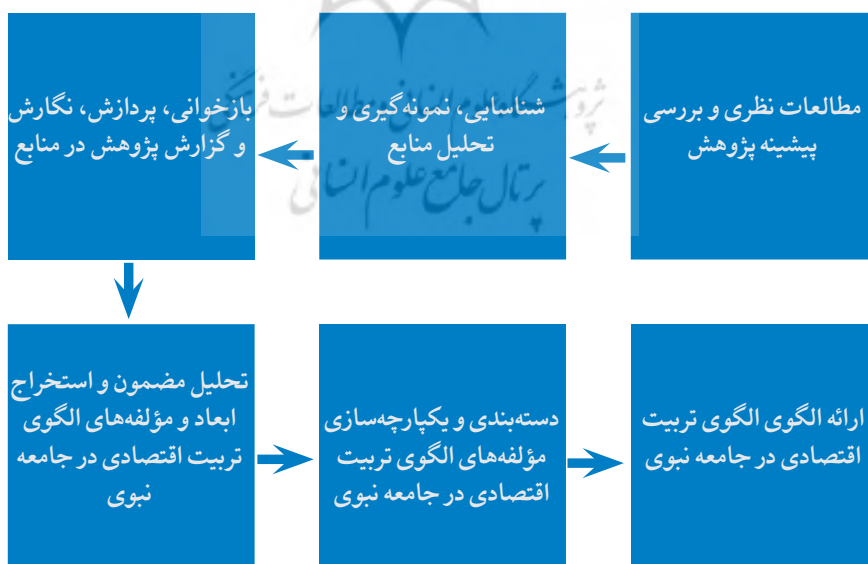
روش تحقیق

در این پژوهش که از نوع تحقیق کیفی است از سه روش اسنادی، تحلیل محتوا- از نوع تحلیل مفهوم- و استنتاجی استفاده شده است. از روش اسنادی به منظور بهره‌گیری نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی در سطوح کشف، گردآوری، دسته‌بندی و ارزیابی اولیه محتوا (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰/صادقی

فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴) بهره برده شد. در ادامه برای کدگذاری و تعیین شبکه ارتباطی مفاهیم و تبدیل آن به الگوی تربیت اقتصادی در جامعه نبوی، مفاهیم مستخرج به صورت مجدد با تحلیل بافت از طریق روش تحلیل مفهوم تبیین و دسته‌بندی شده و به منظور اخذ معنای صحیح مفاهیم، کاربردهای هر مفهوم در عبارات مختلف، ارتباطش با دیگر مفاهیم مرتبط و اهداف و مقاصد کاربرد آن مفاهیم (باقری، سجادی و توسلی، ۱۳۸۹) بررسی گردید. در نهایت نیز به منظور تبدیل مفاهیم به یک الگوی نظام‌مند جامع و کاربردی، مفاهیم را از طریق روش استنتاجی - به شیوه پیش‌رونده - در قالب مبانی، اصول و روش‌های تربیت اقتصادی در جامعه نبوی صورت‌بندی نموده (باقری و همکاران، ۱۳۸۹) و الگویی جامع و قابل به‌کارگیری در تربیت اقتصادی ارائه کردیم.

بدین ترتیب مراحل ذیل ناظر به سؤالات، اهداف و روش پژوهش طی گردید

نمودار ۱: مراحل پژوهش



یافته‌های پژوهش

الف) تحلیل مفاهیم الگوی تربیت اقتصادی در جامعه نبوی

با مرور منابع روایی معتبر مربوط به تاریخ، سیره و احادیث پیامبر اسلام (ص) و تمرکز بر ابعاد اقتصادی وجود ایشان و نیز آیات قرآن کریم که خطاب مستقیم به جامعه نبوی در این زمینه دارند، در کنار مراجعه به تفاسیر دست اول آیات - که جهت حفظ اختصار از ذکر تفاسیر در ارجاعات تک‌به‌تک آیات پرهیز شده - و بررسی وضعیت اجتماعی جامعه تحت امر ایشان پس از بعثت و مخصوصاً پس از هجرت به مدینه منوره مفاهیم تربیت اقتصادی در این جامعه استخراج، مرور و تحلیل شدند. بر این اساس می‌توان گفت مفاهیم تربیت اقتصادی در جامعه نبوی ذیل پنج بعد الهی، فردی، اجتماعی، سیاسی و طبیعی (ناظر به عالم خلقت و جهان هستی) قابل بررسی هستند.

۱. بعد الهی

در بعد الهی هم شناخت و نگرش نسبت به خداوند و جایگاه او در اقتصاد و تربیت اقتصادی و هم نحوه تعامل انسان با خدا در رفتار اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این نگاه «جایگاه خداوند» به عنوان رب، مدیر و مالک (فاتحه: ۱-۳)، خالق (انعام: ۱۰۲)، فاعل حقیقی (انفال: ۱۷)، تکیه‌گاه (قیومیت) و محافظ (بقره: ۲۵۵)، هادی و مربی (جمعه: ۲)، دارای احاطه (نساء: ۱۲۶) و رازق (انعام: ۱۶ / عنکبوت: ۶۲) حائز اهمیت ویژه است؛ آن‌چنان‌که خداوند در سوره آل عمران خطاب به پیامبر و جامعه نبوی تذکر می‌دهد که مالک همه آسمان‌ها و زمین خود خداست و همه امور [از جمله امور اقتصادی] به او بر می‌گردد (آل عمران: ۱۰۹). خطبه‌ها، مناجات‌ها، روایات و سیره عملی پیامبر حاوی تذکرات و توجهات فراوان لسانی و عملی به این موارد است.

در جامعه نبوی همه امور و ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد و تربیت اقتصادی

بر اساس «تکلیف از سوی خداوند» نسبت به این حوزه است. آن‌چنان‌که جامعه نبوی مأمور می‌شوند به اینکه برای اقامه نماز جمعه، تجارت را رهاکنند ولی بعد از اتمام نماز به کسب روزی و طلب فضل از خداوند روی آورند (جمعه: ۹-۱۰) و نیز مدیریت مال و تربیت اقتصادی سفیه و یتیم نابالغ بر عهده مکلفین در این جامعه سپرده شده است (نساء: ۵-۶). خود پیامبر نیز اساساً انسان را مسئول می‌داند و این مسئولیت در همه ابعاد وجودی فردی و اجتماعی فرد از جمله بعد اقتصادی زندگی او جاری است (بن‌حجاج، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۴۵۹). طلب رزق و برکت و زیاد و کمی رزق - به عنوان ثمره تلاش اقتصادی - نیز از سوی خداوند دانسته شده است و جامعه نبوی مأمور شده که اصل رزق و برکت و سود بیشتر فعالیت اقتصادی خود را از خداوند طلب کند (عنکبوت: ۱۷ / نساء: ۳۲) و در برابر الطاف و نعمات خداوند شکرگزار باشد (بقره: ۱۷۲ / نحل: ۱۱۴).

همچنین اصرار پیامبر بر «رعایت احکام اقتصادی» و عدم تعارف، جانبداری، تساهل و تسامح در این زمینه حتی در مقابل نزدیکان خود مبحثی غیرقابل چشم‌پوشی است. نمونه آن ماجرای بیان صریح احکام اقتصادی نظیر ربا با ذکر و نسخ رباهای زمان جاهلیت افرادی از جمله عباس عموی خود در حجة الوداع است (ابن‌هشام، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۰۳). دستورات قرآن کریم به ادای خمس (انفال: ۴۱) و زکات (حج: ۷۸) و تعیین بخشی از مال به عنوان حق سائلان و محرومان (معارج: ۴۴)، رعایت انفال (انفال: ۱)، عدم تجاوز به حق و مال دیگران (بقره: ۱۸۸ / نساء: ۲۹)، رعایت پیمان‌ها و پرهیز از کم‌فروشی (انعام: ۱۵۲ / شعراء: ۱۸۱) و ... خطاب به جامعه نبوی از جمله مصادیق دیگر این مفهوم است.

۲. بعد فردی

بعد فردی و حتی دیگر ابعاد مفاهیم تربیت اقتصادی در نظام نبوی و اسلامی بر اساس شخصیت و ویژگی‌های ذاتی انسان و سازگار با وجود

او طراحی و تجویز شده است. انسان از این حیث باید ابتدا وضع موجود، ظرفیت‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها، ضعف و قوت‌های خود را بشناسد و سپس وضع مطلوب، تکلیف و مسیر آینده را دریافته و بر اساس این دو شناخت، برنامه‌ریزی و اقدام کند.

در جهت شناخت خود - همان‌گونه که خداوند به پیامبر خود می‌گوید - انسان باید بداند که پروردگار او را به عنوان «خلیفه خود در نظام خلقت» به زمین فرستاده و «هدف کلان خلقت» رسیدن به مقام عبودیت یعنی مقام بندگی و خلیفه‌اللهی در زمین (حر عاملی، ۱۳۸۴ ق، ص ۳۶۱) قرار داده شده است (بقره: ۳۰ / ذاریات: ۵۶). این مطلب، جایگاه انسان در نظام خلقت و در برابر خداوند را مشخص می‌نماید. او بنده و خلیفه خدا، از خدا و در حال حرکت به سوی اوست و از این حیث نگاه او به مبدأ، مسیر و مقصد حرکت در هر زمینه باید از خدا، برای خدا و به سوی خدا باشد و توجه به معاد را همواره جدی بگیرد (بقره: ۱۵۶ / مؤمنون: ۶۰ / انشقاق: ۶).

برخی از «ویژگی‌های اساسی» که درون فرد قرار دارد و می‌تواند هم فرصت باشد و هم تهدید، هم قوت باشد و هم ضعف عبارت‌اند از: وجود همزمان دو نیروی طبیعی و معنوی و تعدیل یا انحراف آنها در سرشت او (شمس: ۸)، آزادی و اختیار در انتخاب (انسان: ۳ / کهف: ۲۹)، کرامت نفس و برتری نسبت به عالم خلقت (اسراء: ۷۰ / انبیاء: ۲۶ / لقمان: ۲۰)، محدودیت در انتخاب (نساء: ۲۸ / معارج: ۱۹)، تفاوت در استعدادها (انعام: ۱۶۵) و ذات اجتماعی (حجرات: ۱۳).

رهبر یا فعال اقتصادی در نظام تربیت اقتصادی پیامبر باید «خودساخته» باشد؛ یعنی غیر از تلاش، تکاپو و کسب قدرت اقتصادی باید بتواند ویژگی‌های درونی خود را مدیریت کند تا از آسیب‌های این مسیر در امان باشد و تهدیدهای راه را تبدیل به فرصت نماید. صدقه‌دادن پیامبر (مقریزی، ۱۹۹۹ م، ج ۲، ص ۱۸۷) و امر به صدقه گرفتن پیامبر از مردم (توبه: ۱۰۳) غیر

از کمک به جامعه مستمندان و هموعان، برای خودسازی رهبر و یا فعال اقتصادی نیز مفید است؛ چراکه به آزادگی مالی می‌رسد و از دلبستگی به مال و دنیا در امان می‌ماند. ساده‌زیستی، پرهیز از تجملات (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۲۶) و دعوت اهل و عیال خود به این امور از شاخص‌های توجه به این مؤلفه در زندگی پیامبر محسوب می‌شود (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۴۳-۴۴۴/مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۴۳، ص ۸۳-۸۴). پرهیز از زیاده‌روی در لذات حلال دنیا به صورت معقول، منطقی و با رعایت اعتدال در کنار حفظ و تقویت ارتباط با خداوند به منظور حفظ و ارتقای سطح معنویت و درک لذات معنوی در زندگی پیامبر قبل و بعد از بعثت قابل مشاهده است. خلوت‌گزیدن ایشان در غار حرا برای عبادت و گفت‌وگو با معبود، در عین کم‌خوردن و کم‌خوابیدن از مصادیق این مفهوم است (امیرالمؤمنین، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۸۱۱ و ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۵۰۹/مزمّل: ۲).

یکی دیگر از مفاهیم و مضامین موجود در سیره نبوی که می‌توان ذیل مفهوم خودسازی به آن پرداخت، بحث مهم تحمل سختی‌های اقتصادی در عین تلاش برای اصلاح امور در ایام قحطی یا در زمان تحریم اقتصادی است. همان‌طور که در زمان محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب و محاصره مدینه در زمان جنگ خندق کار به حدی سخت می‌شد که گاهی تا چند روز نان برای خوردن یافت نمی‌شد؛ حتی در این ایام اعتراضات و تزلزل‌هایی نیز از جانب عده‌ای صورت می‌گرفت؛ اما با تحمل شخص پیامبر و پیروان صالح ایشان این مشکلات رفع می‌شد و مقاومت و تدابیر آنها نتیجه می‌بخشید (ابن‌هشام، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۵۰/اصبھانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۷۲/واقعی، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۴۵۹-۴۷۷). این مضمون را می‌توان با عنوان تاب‌آوری اقتصادی یاد کرد.

مسئله دیگر کفّ نفس اقتصادی در برابر ارزش بالاتر با روی‌گرداندن هوشمندان، به‌موقع و با بصیرت از مال دنیا به سمت ارزش بالاتر معنوی

است. این مؤلفه را در چندین مورد از نقاط عطف زندگی پیامبر و جامعه نبوی می‌توان مشاهده کرد؛ به عنوان دو شاهد مثال، می‌توان از دو نبرد مسلمین با کفار مکه یاد کرد. یک مورد جنگ بدر بود که مسلمانان در مقابل دو کاروان نظامی و اقتصادی مکه با تبعیت از پیامبر و برخلاف میل شخصی خود به جنگ با کاروان نظامی رفتند تا به جای رسیدن به قدرت اقتصادی به اقتدار نظامی در چشم دشمن دست یابند (واقدی، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۴۹). مورد دوم جنگ احد بود که گروهی از مسلمانان به هوای جمع‌آوری غنائم موقعیت خود را ترک کردند و به شهادت جمع زیادی از اصحاب و شکست سپاه اسلام منجر شد (همان، ص ۲۲۹-۲۴۵).

زیرکی یا کیاست اقتصادی یا همان شمه اقتصادی نیز شاخصی است که از سیره نبوی قابل استخراج بوده و لازمه رسیدن هر فرد و گروه اقتصادی به موفقیت است. فردی که از این مؤلفه برخوردار است معمولاً درست تشخیص می‌دهد که چگونه می‌تواند در شرایط مختلف بهترین تصمیم ممکن را اخذ کند و چگونه با منابع محدود به بیشترین و بهترین آورده اقتصادی برسد. این مؤلفه در معصومان (ع) به علم الهی و ظرافت و جود و در برخی دیگر از افراد به استعداد ذاتی وجود دارد و در دیگران با تمرین، تفکر، افزایش دقت و ظرافت، مشورت، آزمون و خطا و عبرت حاصل می‌شود.

ماجرای ۱۲ درهم و خرید پیراهن توسط شخصی برای پیامبر گویای این مفهوم است. در اینجا خرید یک پیراهن با کل ۱۲ درهم، در مقابل خرید دو پیراهن با ۸ درهم، کمک به کنیز با ۴ درهم، آزادسازی او به یمن قدم پیامبر و شکر پیامبر از برکت آن ۱۲ درهم (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱۶، ص ۲۱۴) نقش پیامبر را در جایگاه یک مربی به ذهن متبادر می‌کند که هم زیرکی اقتصادی را به مربی خود منتقل کرده و هم مفاهیمی مانند شکرگزاری، توجه به فاعلیت خداوند در امور مادی، برکت، ایثار، همدردی، مشکل‌گشایی و روش‌های تربیتی نمایش رفتار درست اقتصادی و ایجاد بستر آزمون و خطاهای

کوچک اقتصادی را همراه با تذکر حفظ کرامت متربی و عاملیت متربی در تصمیمات اقتصادی به عنوان اصول تربیت اقتصادی تعلیم می‌دهد.

۳. بعد اجتماعی

یکی از علائم اصلی حیات جامعه همبستگی است؛ همان‌گونه که در کلام رسول اکرم (ص) جامعه مؤمنین به‌سان بدن توصیف شده است که اگر عضوی دچار گرفتاری شود سایر اعضا به تکاپو می‌افتند تا مشکل آن عضو برطرف شود (سیوطی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۵۳۲) یا این سخن ایشان که «اگر شخصی از مسلمانان یاری بطلبد و دیگری بشنود و به فریادش نرسد مسلمان نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۴۱).

اگر این شاخص را در همه ابعاد حیات اجتماعی تسری بدهیم شاخص اصلی حیات اقتصادی جامعه نیز «همبستگی اقتصادی» خواهد بود. پس از این منظر نیز لازم است جامعه نبوی مورد بازبینی قرار گیرد و مؤلفه‌های همبستگی اقتصادی استخراج گردد.

حرکت پیامبر در انتخاب خانه ابویوب انصاری، یکی از فقرای مدینه، هنگام ورود به مدینه در مقابل دعوت سران قبایل برای اسکان (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱۹، ص ۱۰۹) یک مؤلفه از وجوه همبستگی اقتصادی یعنی همدردی با ضعفا را می‌رساند که شهید مطهری (۱۳۹۱، ص ۷۹-۸۹) نیز در بیان شاخص‌های «زهد زنده» به آن اشاره می‌کند و بر اساس کلام امیرالمؤمنین (ع) معتقد است تا جایی که می‌شود باید ضعیف را کمک کرد و سطح اقتصادی او را با رفع موانع فردی و اجتماعی، تشویق و تسهیل کار و تلاش، ایثار و صدقه ارتقا داد و نیز نگاه اجتماعی به او را در جامعه اصلاح کرد؛ اما اگر این امور مقدور نیست باید با او همدردی نمود. در این مبحث در نظر گرفتن شرایط و هماهنگی با مقتضیات زمان مورد نیاز است؛ همان‌گونه که امام صادق (ع) نسبت به پوشش نسبتاً فاخری که داشتند و مورد اعتراض و مقایسه با نبی مکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) قرار گرفتند، به این نکته اشاره نموده و علت رفتار متفاوت

با اجداد خود را عرف پوشش به آن سبک - به سبب فقر فراگیر جامعه - در زمان پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و فراوانی و دارایی عموم مردم در زمان خود خواندند (شافعی قریشی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۸۵ / مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۴۷، ص ۳۶۰؛ ج ۴۰، ص ۳۳۶؛ ج ۴۳، ص ۲۲۰).

غیر از همدردی آنچه در سیره تمام معصومان از جمله نبی مکرم اسلام و جامعه نبوی مشاهده می‌شود و در قرآن نیز مکرر به آن امر شده و از تخلف از آن نهی شده است صدقه و همیاری (مقریزی، ۱۹۹۹ م، ج ۲، ص ۱۸۷ / آل عمران: ۱۸۰) و مرحله‌ای بالاتر از آن یعنی ایثار است؛ به این معنی که در شرایطی آنچه خود به آن نیاز داشتند را به کلی در اختیار دیگران می‌گذاشتند؛ همان‌گونه که در قرآن به برخی از اصحاب رسول الله (ص) اشاره می‌شود که در حال احتیاج و سختی دیگران را بر خود ترجیح می‌دادند (حشر: ۹). در ادبیات جامعه نبوی نوع دیگری از ایثار با تعبیر مواسات شناخته می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۷). همان‌طور که انصار در مدینه مهاجرین را در منازل خود جای داده و آنها را در اموال خود شریک ساختند یا با قرض نیازشان را برطرف می‌ساختند (ابن کثیر، ۱۳۹۶ ق، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۵ و ص ۳۲۷-۳۲۹).

در کنار همدردی، صدقه، ایثار و مواسات ذیل همبستگی اقتصادی، میانه‌روی در بخشش را نیز باید به عنوان اصل دید؛ همان‌طور که به دنبال ماجرای بخشش تنها پیراهن پیامبر توسط خود ایشان به برهنه، خداوند ایشان را سرزنش و به میانه‌روی توصیه می‌کند (اسراء: ۲۹).

۴. بعد سیاسی

آنچه از منطق حاکم بر رفتار پیامبر (ص) و جامعه تحت امر ایشان دریافت می‌شود این است که برای اقتصاد با پایبندی به چند مؤلفه و شاخص اساسی برنامه‌ی سیاستی داشته‌اند و در شرایط مختلف، تصمیمی بر اساس آن شاخص‌ها و متناسب با آن شرایط اتخاذ می‌کردند؛ از جمله آن شاخص‌ها «عزت و اقتدار» است؛ به این معنی که فرودستی، ذلت،

وابستگی، مستمندی، درماندگی و گدایی در این نظام جایی ندارد و این مطلب از تحمل همان شرایط سخت اقتصادی جامعه نبوی قابل برداشت است (ابن هشام، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۵۰/ اصبهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۷۲/ واقدی، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۴۵۹-۴۷۷ و ج ۱، ص ۴۹). شاخص دیگر رفع موانع رشد اقتصادی است از طریق برقراری تعامل سیاسی منصفانه با گروه‌ها و جوامع غیرهمسوی داخلی یا بیرونی که به تعهدات خود پایبند باشند، یا جهاد نظامی در مقابل آن دسته از اقوام که به مسلمانان و جامعه اسلامی ظلم می‌کنند یا تعهدات خود را نقض می‌کنند. میثاق‌نامه پیامبر (ابن هشام، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۴۸) در آغاز زیست اجتماعی در مدینه دارای بندهایی در ارتباط با یهودیان آن منطقه بود که پس از پذیرش پیمان با پیامبر تا زمان پایبندی به تعهدات خود در امان بودند و در چارچوب قوانین جدید با مسلمانان تعاملات اجتماعی و اقتصادی داشتند؛ اما با نقض عهد و اتخاذ رویکرد سستیزه‌جویانه مورد مؤاخذه پیامبر قرار گرفته و با اصرار بر آن رویه با پاسخ سخت نظامی مواجه شدند (واقدی، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۴۹۶-۵۱۰). اصرار و توصیه‌های فروان پیامبر به کار و تلاش، تشویق کارگران و فعالان اقتصادی، سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی، تأسیس و مدیریت بازار مدینه یا بازار مسلمین، فعالیت‌های اقتصادی خود ایشان قبل و بعد از بعثت و ... (بغدادی، ۱۹۹۰م، ج ۸، ص ۱۲/ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۱۴۲/ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۰۲/ ابن‌شبه نمیری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۰۴/ حلبی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۴۵۹) از دیگر اجزای ایجاد عزت و اقتدار اقتصادی و به معنای ضرورت تلاش برای کسب عزت، قدرت و توان اقتصادی جامعه در دیدگاه ایشان است. ایشان در این زمینه به صورت غیرنمادین جلودار می‌شدند و افراد از مشاهده همت و تلاش پیامبر تشویق یا شرمسار و متنبه شده و به ایشان اقتدا می‌کردند (واقدی، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۴۵۲-۴۵۳).

یکی از اهداف بعثت نبی مکرم اسلام و یکی از ارکان آفرینش در کلام ایشان «عدالت» است (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۰۳) و یکی از شقوق عدالت، «عدالت اقتصادی» است و اینکه قرآن نیز خطاب به جامعه نبوی در یکی از شقوق بحث اقتصاد یعنی رعایت کیل و میزان به عدالت اشاره دارد ناظر به همین نکته است (هود: ۸۵ / انعام: ۱۵۲). از طرفی دیگر نیز در قرآن کریم اقتصاد یکی از ارکان تحقق عدالت در جامعه نبوی معرفی شده است (حشر: ۷).

پیامبر نیز در برخورد با مردم فقر و ثروت را ملاک ترجیح افراد قرار نمی‌داد، بلکه در مواردی برای نشان‌دادن فرهنگ‌ها و سنت‌های غلط طبقاتی جاری بین مردم که ثروتمند بر فقیر ترجیح داشت، فقرا را بر ثروتمندان ترجیح می‌داد. نمونه آن ماجرای ورود ایشان به مدینه و دعوت سران قبایل از ایشان برای اسکان است که ایشان از همه ثروتمندان عبور کردند و در محله‌ای فقیرنشین و منزل ابویوب انصاری، یکی از فقیرترین افراد شهر، مستقر شدند (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۱۹، ص ۱۰۹).

البته عدالت در نگاه اسلام به معنی مساوات و برابری سطح اقتصادی آن کسی که تلاش می‌کند با فرد تنبلی که دست روی دست گذاشته نیست، بلکه به این معنی است که ساختار جامعه ظالمانه نباشد؛ به نحوی که فردی با وجود تلاش و تدبیر صحیح از روی جبر ساختاری و اجتماعی نتواند به سطح اقتصادی متناسب با تلاش خود برسد و فرد دیگری بدون آن تلاش به آن پاداش اقتصادی یا بیشتر از آن برسد. تمام توصیه‌ها و تدابیر پیامبر (ص) در مسائل اقتصادی که در مباحث قبل نیز ذکر شد در جهت رفع ظلم جبری جامعه طبقاتی نسبت به تلاش‌ها و حقوق اقتصادی افراد است.

۵. بعد طبیعی

برخلاف مبانی نظری نظام سرمایه‌داری - که جهان هستی و تمام اجزای طبیعت را دارای قواعد مشخص و دقیق اولیه و ثابت و بی‌نیاز از مدیریتی

ما فوق بشری و اتصال به عالم غیب و آخرت در بقاء می‌داند (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵). - از نگاه نبی مکرم اسلام دنیا چه در ابتدای خلقت و چه در تداوم و عاقبت خود و تمامی متعلقاتش کاملاً «وابسته به پروردگار و عالم غیب و آخرت» و در تعامل مستقیم با آنهاست و عالم خلقت صرفاً همین جهان طبیعی و مادی ظاهری نیست؛ همان‌گونه که پیامبر دنیا را مزرعه آخرت خواند (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۲۶۷) و در همه ابعاد فردی، اجتماعی و سیاسی در زمینه تصمیمات اقتصادی، هدف را رضای خداوند و فرایند را بر اساس قوانین و سنت‌های الهی تعیین می‌کردند.

مطابق آیاتی که جامعه نبوی را خطاب قرار می‌دهد، جهان خلقت با هدف، مبدأ، غایت، به دور از پوچی و بیهودگی، در ارتباط با غیب، منطبق با قوانین الهی، در خدمت انسان و برای سنجش عیار او پدید آمده (انبیاء: ۱۶ / شوری: ۵۳ / انعام: ۵۲ و ۷۳ / فاطر: ۴۳ / ملک: ۲-۳ / لقمان: ۲۰ / بقره: ۲۹) و بعد طبیعی و مادی دنیا بدون ارتباط با بعد معنوی خلقت و با تکذیب زبانی یا رفتاری آن جز بازی و سرگرمی پوچ، گذرا، بی‌حاصل و فریبنده بهره دیگری برای انسان ندارد و اگر فردی به بعد معنوی جهان معتقد است باید غیب و آخرت را تصدیق و از بخشش جان و مالش در راه خدا و به دستور پیامبر ابایی نداشته باشد (محمد: ۳۶ / انعام: ۳۲ / عنکبوت: ۶۴ / نساء: ۷۷ / توبه: ۳۸ / آل‌عمران: ۱۸۵ / علق: ۶-۷ / قلم: ۱۰-۱۵ / آل‌عمران: ۱۴).

بر اساس کلام رسول خدا که فقر نزدیک کفر است و مال نیکو برای انسان نیکوست (ابن‌ابی‌فراس، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۵۸) و نص آیات قرآن، همین دنیا اگر در مسیر آخرت و در چارچوب اطاعات از خدا و پیامبر مورد استفاده به عنوان ابزار قرار گیرد، نعمت، رحمت و خیر الهی برای انسان خواهد بود (توبه: ۲۸ / نساء: ۳۷ / نحل: ۱۸ و ۴۱ و ۱۲۲ / بقره: ۱۸۰، ۱۸۷، ۲۰۱ و ۲۷۲ / هود: ۹ / اسرا: ۱۰۰ / کهف: ۸۲ / اعراف: ۱۵۶ / عنکبوت: ۱۷ / جمعه: ۱۰).

بر این اساس «مال دنیا و به تبع آن اقتصاد، ابزاری در خدمت اهداف

الهی» است؛ نه آنکه خود، هدف مطلق و محض باشد؛ لذا از بعد طبیعی نیز انسان باید اقتصاد و دنیا را در خدمت پیشرفت در مسیر الهی و معنوی قرار بدهد و در این راه به عنوان ابزار، بهترین استفاده را از آنها ببرد و از اسراف و تبذیر بپرهیزد.

ب) دسته‌بندی مضامین در قالب مفاهیم پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

حال که مفاهیم به صورت روشن استخراج، تحلیل و بررسی شدند، برای تعیین روابط میان آنها لازم است به صورت یکپارچه در قالب جدول ذیل ارائه شوند تا در نتیجه‌گیری بتوان بر این اساس مبانی، اصول و روش‌های تربیت اقتصادی در جامعه نبوی را مشخص نمود:

جدول ۱: شبکه روابط مفاهیم تربیت اقتصادی در جامعه نبوی به صورت یکپارچه

مفاهیم پایه	مفاهیم سازمان‌دهنده	مفاهیم فراگیر	
		ابعاد	مفهوم اصلی
ربوبیت	جایگاه خداوند (بیش توحیدی)	الهی	تربیت اقتصادی در جامعه نبوی
خالقیت			
مالکیت			
فاعلیت			
محافظت			
قیومیت			
هدایت و تربیت			
احاطه			
رازقیت			
امر به تلاش برای کسب روزی	تربیت اقتصادی به مثابه تکلیف الهی (گرایش توحیدی)		
مدیریت مال و تربیت اقتصادی دیگران			
مسئولیت اقتصادی			
طلب رزق از خداوند			

طلب برکت مال از خداوند	لزوم رعایت احکام اقتصادی (کنش توحیدی)	فردی	
شکرگزاری			
پرهیز از ربا			
ادای خمس و زکات			
تعیین بخشی از مال به عنوان صدقه و حق سائل و محروم			
رعایت انفال			
عدم تجاوز به حق و مال دیگران			
رعایت پیمان و پرهیز از کم فروشی			
خلیفه الله	جایگاه در نظام خلقت هدف خلقت ویژگی ها		
رسیدن به مقام عبودیت			
وجود همزمان دو نیروی طبیعی و معنوی			
آزادی و اختیار			
کرامت			
محدودیت			
استعدادهای خاص			
ذات اجتماعی			
آزادگی اقتصادی و عدم دلبستگی به دنیا با صدقه دادن، ساده زیستی، پرهیز از تجملات و همراه سازی اهل و عیال			راه خودسازی رهبر/ فعال اقتصادی و مدیریت ویژگی ها
حفظ و ارتقای سطح معنویت با پرهیز از زیاده روی در تمتع از حلال دنیا به صورت معقول و معتدل در کنار حفظ و تقویت ارتباط با خداوند			

تاب‌آوری اقتصادی و تحمل شرایط در زمان‌های سختی و تنگنا، مانند تحریم، قحطی و محاصره اقتصادی			
کفّ نفس اقتصادی در برابر ارزش‌های بالاتر			
زیرکی یا کیاست اقتصادی			
همدردی	همبستگی اقتصادی	اجتماعی	
صدقه			
ایثار یا مواسات			
رعایت میانه‌روی در بخشش			
عزت و اقتدار در مقابل ذلت، وابستگی، گدایی و ...	قدرت و اقتدار اقتصادی	سیاسی	
رفع موانع رشد اقتصادی			
تجارت و سودآوری			
ایجاد روحیه کار و تلاش در خود و دیگران			
سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصاد و بازار	عدالت اقتصادی		
ارزش ذاتی برابر فقیر و غنی			
ترجیح موردی فقیر بر غنی			
رفع موانع ظالمانه و جبری ساختاری در جامعه برای رسیدن افراد به سطح اقتصادی متناسب تلاش خود			
دنیا مزرعه آخرت	وابستگی دنیا به خدا، غیب و آخرت از خلقت تا انتها	طبیعی	
خلقت دارای مبدأ، هدف و غایت			
به دور از پوچی و بیهودگی			
در ارتباط با غیب			
منطبق با قوانین و سنن الهی			

دنیا در خدمت انسان و برای سنجش عیار او			
بازی، سرگرمی، پوچ، گذرا، بی حاصل و فریبده بودن دنیا، پول و مال بدون ارتباط با بعد معنوی خلقت و با تکذیب زبانی یا رفتاری آن	دنیا و اقتصاد ابزار رسیدن به اهداف الهی		
نعمت، رحمت و خیر الهی بودن دنیا در مسیر آخرت و در چارچوب اطاعت از خدا و پیامبر (ص)			

ج) الگوی نظام‌مند تربیت اقتصادی؛ از مبنا تا روش

اکنون با صورت‌بندی مفاهیم به دست آمده در قالب مبنا، اصل و روش تربیت اقتصادی می‌توانیم الگوی تربیت اقتصادی در جامعه نبوی را کامل و به عنوان یک الگوی نظام‌مند ارائه نماییم:

۱. در بعد الهی بر اساس مفاهیم سازمان‌دهنده، مبنا «توحید پروردگار» است و توحید، اصل «لزوم اخلاص در فکر، نیت و بروز رفتار توحیدی» را به دنبال دارد. با توجه به مفاهیم پایه روش‌هایی که برای این اصل در جامعه نبوی قابل احصا هستند عبارت‌اند از: ۱. «توجه و تذکر به جایگاه خداوند» به عنوان رب و مدیر اصلی، خالق و مالک همه امور از جمله اقتصاد، حافظ و تکیه‌گاه جهان و انسان، هادی و مربی اصلی در مسیر تربیت اقتصادی، محیط و مشرف بر تمام فرایندهای آموزش، تربیت و عمل اقتصادی و رازق و منبع اصلی تأمین اقتصاد و معیشت؛ ۲. «توجه و تذکر به نسبت و رابطه فرد با خدا» یعنی همان ارتباط عبد و معبود؛ ۳. «تلاش برای ترکیه و تصفیه نیت اقتصادی» از غیر خدا؛ ۴. «آموزش احکام اقتصادی و مراقبت و پرهیز از نقض آنها»؛ ۵. «مقابله فردی و اجتماعی با ناقضان احکام

اقتصادی»؛ ۶. «ورود به عرصه تربیت اقتصادی افراد پایین دست مانند سفیه و یتیم نابالغ» و ۷. «تلاش همه‌جانبه اقتصادی در راستای عمل به تکلیف الهی».

۲. در بعد فردی با توجه به مفاهیم پایه، یکی از مبانی مهم و پایه برای مبانی دیگر، «انسان، خلیفه خدا در زمین» است و بر همین اساس این اصل استخراج می‌گردد که «انسان باید به مقام عبودیت برسد» و مطابق شبکه روابط مفاهیم در جدول شماره ۲ روش آن به شکل کلی عبارت است از: «بسیج کردن و مدیریت ویژگی‌های وجودی انسان در مسیر رسیدن به عبودیت». این اصل در همان ویژگی‌های فردی خُرد می‌شود و با توجه به آن ویژگی‌ها و راه‌های مدیریت آنها مبانی، اصول و روش‌های خردتری در کنار آن و به شرح ذیل قابل استنتاج و ذکر است:

- مبنا: مبدأ، مسیر و مقصد وجودی انسان خداست. اصل: انسان باید وجود خود را از خدا، برای خدا و به سوی خدا ببیند. روش ۱: انسان باید به ضعف وجودی و وابستگی خود به خدا در تولد و تداوم حیات توجه کرده و داشته‌های خود را از خدا بداند و به آنها مغرور نشود. روش ۲: او باید یاد مرگ و معاد را در برنامه روزانه خود قرار دهد و برای آن آماده شود و مناسب آن عمل کند.
- مبنا: انسان همزمان دارای دو نیروی طبیعی و معنوی است. اصل ۱: انسان باید همزمان دو نیروی طبیعی و معنوی را مدیریت کند. روش ۱: حفظ و ارتقای سطح معنویت و حفظ و تقویت ارتباط با خداوند در کنار تمتع از لذات حلال دنیا به صورت معقول و معتدل و به دور از زیاده‌روی در هر کدام. اصل ۲: انسان باید آزادگی اقتصادی و عدم دلبستگی به دنیا را در خود حفظ کند. روش ۲: صدقه‌دادن، ساده‌زیستی، پرهیز از تجملات و همراه‌سازی اهل و عیال.

- مبنا: انسان آزاد، مختار و مسئول است. اصل: آزادی، اختیار و عاملیت انسان از طرف خودش و دیگران باید رعایت گردد. روش‌ها: ۱. پرهیز از تحمیل از بیرون و تسلیم از درون در تصمیم‌گیری و اقدام، ۲. ایجاد بستر آزمون و خطاهای کوچک اقتصادی.
- مبنا: انسان دارای کرامت و عزت نفس است. اصل: کرامت و عزت نفس انسان باید از طرف خودش و دیگران باید رعایت شود. روش‌ها: ۱. خودداری از برخی منافع اقتصادی سطح پایین در تقابل با ارزش‌های بالاتر توسط خود انسان. ۲. رعایت شأن و منزلت مرتبی و عدم تنزل آن با تمسخر، تنبیه و هدایت به امور کم‌ارزش توسط مرتبی.
- مبنا: انسان در ابعاد درونی و بیرونی دارای محدودیت است. اصل: باید محدودیت انسان پذیرفته و او برای مواجهه با محدودیت خود آماده شود. روش‌ها: ۱. تمرین تاب‌آوری اقتصادی و تحمل شرایط در زمان‌های سختی و تنگناهای بیرونی - مانند تحریم یا قحطی - و درونی - مانند شکست یا ضعف -، ۲. انسان باید زیرکی یا کیاست اقتصادی را با مدیریت منابع محدود در جهت کسب بیشترین منافع (فردی یا اجتماعی) و خیر حلال تمرین کند، ۳. با مشاهده نمونه‌های عمل و رفتار درست اقتصادی باید مدیریت منابع محدود را فرا بگیرد.
- مبنا: هر انسانی در زمینه‌هایی استعدادها و استعدادهای بیشتری دارد. اصل: در تربیت اقتصادی باید استعدادهای خاص افراد لحاظ شود. روش: نگاه اختصاصی به هر فرد و عدم مقایسه او با دیگران توسط خودش یا دیگری.
- مبنا: انسان دارای ذات اجتماعی است. اصل: در تربیت اقتصادی

باید بعد اجتماعی وجود انسان لحاظ شود. روش: مشارکت با دیگران در امور اقتصادی از طرقی مانند کار تیمی، قرض و صدقه و یاری به دیگران.

۳. در بعد اجتماعی، مبنا این است که «جامعه زنده دارای همبستگی اقتصادی است»؛ بنابراین اصل اجتماعی متناظر با آن این است که «جامعه نبوی باید دارای همبستگی اقتصادی باشد». دو اصل دیگری که از بررسی این مفهوم و مفاهیم مرتبط با بخشش و همیاری ذیل آن در جامعه نبوی استخراج شد «لزوم رعایت میانه روی در بخشش» و «در نظر گرفتن شرایط و هماهنگی با مقتضیات زمان و وضعیت جامعه» است که به عنوان قاعده عمل ذیل اجرای همه روش های این بخش باید لحاظ گردند و اصلی مستقل با روش های مستقل محسوب نمی شوند. با توجه به مفاهیم پایه ذیل مفهوم همبستگی اقتصادی، روش های تحقق آن عبارت اند از: ۱. «همدردی» در عین تلاش برای حل مسئله دیگران با مصاحبت و تسکین و تسلی، عدم فخر فروشی، جلوه گری و مانور دارایی در مقابل فقیر در هر زمان و عدم استفاده از نعمات رایج مادی توسط مسئولان متمول در ملأعام در جامعه ای که غالب مردم آن زمان توان استفاده از آن نعمات را ندارند. ۲. «صدقه» و ۳. «ایثار» یا «مواسات».

۴. در بعد سیاسی اگر «قدرت و اقتدار اقتصادی» یک مبنا در جامعه نبوی باشد، اینکه «جامعه و فرد مسلمان باید قدرت اقتصادی داشته باشد/ کسب کند» یک اصل است و روش های رسیدن به آن نیز طبق سیره نبوی عبارت اند از: ۱. «مشارکت در تجارت داخلی و خارجی»، ۲. «کمک به راه اندازی کسب و کار و تجربه تلاش اقتصادی»، ۳. «رفع موانع رشد اقتصادی» افراد و جامعه از طریق جهاد نظامی یا سیاسی و ۴. «ساخت نیروی انسانی توانمند در جهاد اقتصادی» با گفتار و

رفتار - که در بعد فردی به آن اشاره شد -.

۵. همچنین در بعد سیاسی «عدالت اقتصادی» مبناست و به دنبال آن، «لزوم تحقق عدالت اقتصادی در جامعه نبوی» یک اصل است. خود این اصل قابل تقسیم به دو اصل ۱. «لزوم ایجاد ارزش ذاتی برابر فقیر و غنی در جامعه نبوی» با روش مطلوب «ترجیح موردی فقیر بر غنی در شرایط خاص و در انظار عمومی» و ۲. «لزوم ایجاد شرایط برای رسیدن افراد به سطح اقتصادی متناسب تلاش خود» با روش «رفع موانع ظالمانه ساختاری جبری در جامعه» است.

۶. در بعد طبیعی مبنا این است که «دنیا از خلقت تا انتها به خدا، غیب و آخرت وابسته است» و از این مبنا این اصل نتیجه می‌شود که «دنیا و همه شئون آن از جمله اقتصاد، باید ابزار رسیدن به خدا و اهداف الهی محسوب شوند». روش‌های حاصل از این اصل و مبنا عبارت‌اند از: ۱. «توجه‌دادن به عقوبت و نتایج اعمال در آخرت»، ۲. «توجه‌دادن به مبدأ، هدف و غایت دنیا و امور اقتصادی»، ۳. «توجه‌دادن به هدفمندی خلقت و عدم پوچی و بیهودگی آن»، ۴. «توجه‌دادن به ارتباط و کنش و واکنش میان دنیا و رفتار انسان با عالم غیب»، ۵. «آموزش قوانین و سنن الهی و تذکر به ارتباط افعال با آنها»، ۶. «توجه‌دادن به در خدمت انسان بودن دنیا و برای سنجش عیار او»، ۷. «تذکر به پوچ‌دانستن دنیا و اقتصاد بدون ارتباط با بعد معنوی خلقت و پرهیز از تکذیب زبانی یا رفتاری آن» و ۸. «تذکر به نعمت، رحمت و خیر الهی بودن دنیا در مسیر آخرت و در چارچوب اطاعات از خدا و پیامبر (ص)».

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش مفاهیم و مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در جامعه نبوی

استخراج، تبیین و تحلیل شده و ۵۵ مفهوم در حوزه تربیت اقتصادی در جامعه نبوی، ذیل ۱۲ مفهوم سازمان‌دهنده و در ۵ بعد احصا شدند: ۱. الهی: جایگاه خداوند، تربیت اقتصادی به مثابه تکلیف الهی، لزوم رعایت احکام اقتصادی، ۲. فردی: جایگاه در نظام خلقت، هدف خلقت، ویژگی‌ها، راه خودسازی رهبر/ فعال اقتصادی و مدیریت ویژگی‌ها، ۳. اجتماعی: همبستگی اقتصادی، ۴. سیاسی: قدرت و اقتدار اقتصادی، عدالت اقتصادی و ۵. طبیعی: وابستگی دنیا به خدا، غیب و آخرت از خلقت تا انتها، دنیا و اقتصاد ابزار رسیدن به اهداف الهی. شرح کامل مفاهیم پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر در جدول شماره ۱ به صورت شبکه مفاهیم ارائه گردیده است.

از صورت‌بندی مفاهیم نیز مشخص شد که استخراج الگوی نظام‌مند تربیت اقتصادی از مطالعه جامعه نبوی امری ممکن بوده و در قالب الگویی با ۱۲ مبنا، ۱۵ اصل و ۳۷ روش قابل ارائه است. تحقق اصول و روش‌های مذکور در جامعه نبوی نشان‌دهنده امکان تحقق ذاتی آنها و تشابه شرایط جامعه جمهوری اسلامی ایران با شرایط جامعه نبوی - که در مقدمه بحث شد - نشان‌دهنده قابلیت اجرا و توصیه آنها به مردم و مسئولان است. از طرفی پذیرش و تکرار مبانی، اصول و روش‌ها، در فلسفه و منطق اسلامی و آیات و روایات، دلیلی دیگر بر صحت، دقت و تجویزی بودن اصول و روش‌هاست.

از مرور پژوهش‌های گذشته و مقایسه آنها با تحقیق حاضر نیز مشخص شد پیش از این، جامعه و سیره نبوی به صورت اختصاصی و در زمینه تربیت اقتصادی مورد بازبینی و معرفی در قالب یک الگوی کاربردی و جامع قرار نگرفته است. از این میان، تنها پژوهش حمیدیان (۱۳۹۲) و تقوی (۱۳۹۶) از هر جهت نزدیک، قابل مقایسه، مکمل و همسو با تحقیق حاضر به نظر می‌آیند. البته تحقیق دوم تنها یک سرفصل از تربیت اقتصادی را صرفاً از نگاه مدیریتی، ولی در سطح مبانی، اصول و روش‌ها بررسی کرده و تحقیق

اول نیز اگرچه استخراج مفاهیم تربیت اقتصادی را به صورت دقیق و شفاف از سیره نبوی ممکن دانسته و در احصای مفاهیم تا حد زیادی موفق بوده است، اما ارتباط این مفاهیم با یکدیگر و جایگاه هر کدام از آنها در قالب الگویی نظام‌مند، جامع و قابل استفاده را مشخص نکرده است؛ ضمن آنکه از تحقیق حاضر مشخص شد اجزا و ابعاد دیگری نیز قابل افزودن به آن مجموعه هستند و نمی‌توان به موارد ذکرشده در تحقیق مذکور اکتفا کرد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

ابن ابی‌جمهور، محمد (۱۴۰۳ق). *عوالی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة*. قم، انتشارات سیدالشهداء (ع).

ابن ابی‌فراس، وژام (۱۴۱۰ق). *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر*. قم، مکتبة الفقیه.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. تحقیق/ تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم، جامعه مدرسین.

ابن شیهه نمیری البصری، ابوزید عمر (۱۳۸۶). *تاریخ المدینة المنورة*. قم، دارالفکر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۹۶ق). *السيرة النبوية*. بیروت، دارالمعرفة.

ابن هشام، عبدالملک [بی‌تا]. *السيرة النبوية*. گردآوری ابراهیم ابیاری، مصطفی سقا و عبدالحفیظ شبلی. بیروت، دارالمعرفة.

اسدزاده، حسن (۱۳۹۵). *نظریه‌ها و روش‌های آموزش*. تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

اصبھانی، الحافظ ابی‌نعیم (۱۴۱۲ق). *دلائل النبوة*. بیروت، دارالنفائس.

امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب (۱۳۶۸). *ترجمه و شرح نهج‌البلاغه (فیض‌الاسلام)*. ترجمه و شرح علی‌نقی فیض‌الاسلام اصفهانی. تهران، سازمان چاپ و انتشارات فقیه.

ایمان، محمدتقی، نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). *تحلیل محتوای کیفی*. پژوهش، ۳ (۶).

باقری، خسرو، سجادی، نرگس، توسلی، طیبه (۱۳۸۹). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

بغدادی، محمد بن سعد (۱۹۹۰م). *الطبقات الکبری*. بیروت، دارالکتب العلمیة.

بن‌حجاج، مسلم [بی‌تا]. *صحیح مسلم*. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت، دار احیاء التراث العربی.

پیغامی، عادل، تورانی، حیدر (۱۳۹۰). *نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول*. نوآوری‌های

آموزشی، ۹ (۳۹).

پیغامی، عادل، مرادی باصیری، امین (۱۳۹۵). سواد مالی: الگویی برای مالی شخصی و خانوادگی. ویراستاری علمی مهدی طغیانی. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

تقوی، هدیه (۱۳۹۶). شیوه‌های مدیریتی پیامبر (ص) در همگراکردن بازار مدینه با آموزه‌های اسلام. تاریخ فرهنگ و تمدن، ۸ (۲۷).

حر عاملی، محمدبن الحسن (۱۳۸۴ق). الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه. تصحیح علی محلاتی حائری. چ ۲، بغداد، مکتبه العلمیه.

حر عاملی، محمدبن الحسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. ج ۱۵، قم، آل‌البت لایحیاء التراث.

حلبی، ابوالفرج (۱۴۲۷ق). السیره الحلبیه. بیروت، دارالکتب العلمیه.

حمیدیان، برات (۱۳۹۲). سیره اقتصادی پیامبر اکرم (ص) «آموزه‌های اقتصادی اسلامی در سیره نبوی (ص)». اولین همایش سبک زندگی پیامبر (ص)، زاهدان، <https://civilica.com/doc/236009>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. گرفته‌شده در خرداد ۱۴۰۰، <https://farsi.khamenei.ir/news?content?id=22421>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴). انسان ۲۵۰ ساله. چ ۵۱، قم، مؤسسه ایمان جهادی.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، بازیابی‌شده در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۴۰۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech?content?id=40421>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱). بیانات در دیدار مردم اصفهان. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی). بازیابی‌شده در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۴۰۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51376>.

دیلمی، محمد (حسن بن ابی‌الحسن) (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب. تحقیق السیدهاشم المیلانی. قم، انتشارات رضی.

رودی، کمیل (۱۳۹۹). معمار عمارت/ دفتر حساب مدیران مالی خانواده. تهران، انتشارات قدیانی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۲۹ق). الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر. بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

شافعی قریشی، محمدبن طلحه (۱۴۱۲ق). مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول. بیروت، دارالبلاغ.

صادقی فسایی، سهیلا، عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. راهبرد فرهنگ، ۸

(۲۹).

طغیان، مهدی، پیغامی، عادل (۱۳۹۵). *تعلیم و تربیت اقتصادی*. ج ۱، چ ۱، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

طوسی، محمدبن‌حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الأحکام*. ج ۷، تهران، دارالکتب العلمیه.

طهماسب‌زاده شیخ‌لار، داود، فتاحی مرکید، مریم، ایمان‌زاده، علی (۱۴۰۱). *شناسایی مؤلفه‌های تربیت اقتصادی در قرآن کریم و میزان انعکاس آن در اسناد بالادستی*. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۷ (۱).

علیپور، فاطمه، ناطقی، فائزه، فقیهی، علیرضا (۱۳۹۶). *جایگاه تربیت اقتصادی مبتنی بر اخلاق اسلامی در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی ایران: بررسی وضعیت موجود و ارائه راهکارهایی جهت تحقق وضعیت مطلوب*. پژوهش‌های اخلاقی، ۸ (۱).

فتال نیشابوری، محمدبن‌احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*. قم، انتشارات رضی.

قبادی، آیت، نظری، داریوش، گراوند، مجتبی، شاهرخی، سیدعلاء‌الدین (۱۳۹۸). *تبیین آموزه‌های تربیت اقتصادی در سیره علوی*. آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۵ (۱).

قنبری، سیروس، زندی، خلیل (۱۳۹۷). *طراحی الگوی سیستماتیک عوامل مؤثر بر انتقال یادگیری به محیط کار (الگویی جهت ارتقای بهره‌وری آموزش‌های سازمانی)*. مدیریت بهره‌وری، ۱۲ (۴۵).

مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳ م). *بحارالانوار*. تحقیق السید ابراهیم المیانجی و محمدالباقر البهبودی. بیروت، دارالاحیاء التراث.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). *احیای تفکر اسلامی*. چ ۳۷، تهران، صدرا.

مقریزی، احمدبن‌علی (۱۹۹۹ م). *امتاع الاسماع*. تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی. بیروت، دارالکتب العلمیه.

مرادی، سمانه، طهماسب‌زاده شیخ‌لار، داود، ادیب، یوسف، اصغریور، حسین (۱۴۰۰). *طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت اقتصادی در رشته مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان*. پژوهش‌های برنامه درسی، ۱۱ (۲).

موسی‌زاده، زهره، صنعتی، فاطمه (۱۳۹۶). *تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی*. تربیت اسلامی، ۱۲ (۲۴).

واقدی، محمدبن‌عمر (۱۹۸۹ م). *المغازی*. بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

Kaminski, H. (1996), *Economic education in secondary school*, Neuwied, Luchterhand.